

با حمله امریکا در سال ۲۰۰۱ دوران «جمهوریخواهی» آغاز شد، روابط دو کشور به دلیل اتهام‌های افغانستان به حمایت پاکستان از طالبان و سرزنش پاکستان به حمایت افغانستان از جدایی طلبان بلوچ و تحریک طالبان پاکستان (TTP) روبه وخامت گذاشت

پاکستان ابتدا در جنگ داخلی از حزب اسلامی که پس از عقب‌نشینی شوروی در سال ۱۹۸۹ تشکیل شد، حمایت کرد، اما به شهرت رسیدن طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰، از این گروه حمایت کرد. طالبان روابط نزدیکی با پاکستان داشت و به دلیل اختلاف‌های مذهبی و نیز به دلیل حمایت نظامی و مالی هند از ائتلاف شمالی رقیب، با هند دشمنی کرد. با این حال، طالبان در این دوره میزبان گروه‌هایی بود که در اقدام‌های ضد امنیتی پاکستان دست داشتند. این امر باعث ایجاد تنش بین دو کشور در سال ۱۹۹۹ شد.

با حمله امریکا در سال ۲۰۰۱ دوران «جمهوریخواهی» آغاز شد، روابط دو کشور به دلیل اتهام‌های افغانستان به حمایت پاکستان از طالبان و سرزنش پاکستان به حمایت افغانستان از جدایی طلبان بلوچ و تحریک طالبان پاکستان (TTP) رو به وخامت گذاشت. دولت افغانستان ادعا کرد که می‌تواند موقعیت مکانی رهبران طالبان را در داخل پاکستان تشخیص دهد این در حالی بود که میر بالاچ، رهبر ارتش آزادبخش بلوچستان (BLA)، (سازمان شبه نظامی که برای جدا کردن ایالت بلوچستان از پاکستان می‌جنگد) در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۷ در افغانستان کشته شد.

به نظر می‌رسد که کمک‌های سخاوتمندانه نظامی و غیرنظامی به افغانستان باعث ایجاد غرور در دولت افغانستان شد به طوری که افغان‌ها احساس کردند می‌توانند حساسیت‌های همسایه خود را کاملاً نادیده بگیرند. اگرچه پاکستان در چند سال اول از دولت جدید افغانستان به طور کامل حمایت کرد، اما زمانی که پاکستان احساس کرد که در حال محاصره شدن است، این محاسبات تغییر کرد. از آنجایی که افغانستان بیش از حد به هند نزدیک شده بود، پاکستان سازمان‌های اطلاعاتی هند را متهم کرد که برای بی‌ثبات کردن پاکستان در افغانستان فعالیت می‌کنند. در نتیجه افغانستان به میدان بازی و درگیری هند و پاکستان تبدیل شد.

رقابت هند و پاکستان و ترس از محاصره

هند و پاکستان از محاصره یکدیگر هراس داشتند. به گفته هنری کیسینجر، ایندیرو گاندی تصمیم گرفت از تجزیه پاکستان و تشکیل بنگلادش مستقل حمایت کند، زیرا از محاصره توسط پاکستان نگران بود چراکه دو جناح پاکستان در دو طرف هند قرار داشتند^۱. پاکستان نیز به دلیل خصومت افغانستان با پاکستان و روابط نزدیک آن کشور با هند، چنین نگرانی مشابهی را احساس می‌کرد. تا سال ۱۹۷۱، کنترل ادعاهای ارضی افغانستان و حمایت آن از جنبش‌های جدایی طلب در پاکستان آسان بود.

پس از سال ۱۹۷۱، پاکستان نسبت به تمامیت ارضی خود بسیار نگران شد. حمایت پر قدرت ژنرال داوود از شورش وسیع در پاکستان بلافاصله پس از استقلال بنگلادش باعث شد سیاست پاکستان در قبال افغانستان تغییر کند. به گفته یک کارشناس، به لطف این «ترس غالب از محاصره»، پاکستان از دهه ۱۹۷۰ پیوسته به دنبال ایجاد «موازنه قدرت در کابل بود به طوری که منافع اسلام‌آباد را پیش می‌برد و در عین حال نقش هند را کاهش می‌داد.» تحلیلگران معمولاً از این سیاست به عنوان تلاش ارتش پاکستان برای افزایش «عمق استراتژیک» یاد می‌کنند.

در مرکز محاسبات اسلام‌آباد ترسی دیرینه وجود دارد که هند، همگام با کابل بویژه با استفاده